

اصل اعتماد در انکشاف بشری

“خداوند دوست میدارد کسانی را که به وعده های خویش وفا میکنند“

در دنیای فیزیکی زندگی بر محور اشیای میچرخد که ثابت و قابل اعتماد اند. ما بر قوانین ثابت فیزیک از قبیل قوه جاذبه و نظم حرکت سیستم شمسی اعتماد داریم. این قوانین ثابت اند و ما میتوانیم بر اساس آن زندگی خود را برنامه ریزی کنیم. آفتاب هر صبح طلوع میکند و ما بدان اعتماد کامل داریم. وقتی آفتاب طلوع میکند و صبح میشود در ساعت معین مکتب هم بروی کودکان گشوده می شود. چون طلوع آفتاب قابل اعتماد است پس به گشایش مکتب هم میتوان اعتماد داشت. ما همچنان به وسایل دست ساخته انسان نیز اعتماد می ورزیم. وقتی وسایل یا سیستم کمپیوتری درست کار نکرده و مطمئن نیست ما آنرا تبدیل میکنیم.

شما هم ممکن تعویض شوید

آیا اصل فوق بالایی انسان ها هم قابل تطبیق میباشد؟ آیا انسانی که قابل اعتماد و وقت شناسی نیست باید با کسانی که چنین صفاتی را داراستند تعویض شوند؟ چند مشخصه عمده برای موفقیت در زندگی وجود دارد. 1) فرد باید از وقت بصورت مناسب آن استفاده نموده و سریع العمل باشد. 2) فرد باید به گفته های خود پایبند بوده و از دیگران هم عین توقع را داشته باشد. 3) فرد باید ثابت و قابل اعتماد باشد. کسانی که در زندگی پیشرفت داشته و خوب گل میکنند به داشتن این سه مشخصه معروف بوده اند. یکچنان شخصی اکثراً قابل اطمینان میباشد. او دقیق سخن میگوید. او وقت شناس است. او به وعده اش وفا میکند و از دیگران هم توقع دارد تا به وعده هایشان وفا کنند. برای آنها یک کلمه یا یک دست دادن به اندازه یک قرارداد با اهمیت است. او ثابت است و دیگران میدانند که او ثابت است.

جوانمرد بر سر حرفش ایستاد است

مردم در مورد اینکه چگونه قهرمانان عنعنوی و جوانمردان پایبند وعده هایشان بوده اند خیلی حکایت ها دارند. ایشان مواظب گفتار شان بودند تا آنچه را میگویند انجام دهند یعنی گفتار و کردار شان یکسان باشد و هرگز سخنی را که بدانند دروغ باشد بر زبان نیاورند. به عبارته دیگر یک جوانمرد هیچگاه فریبکاری نمی کند حتی اگر به قیمت جاننش تمام شود. از همین است که میگویم “مردها ره قول اس”. آیا این فقط یک عبارت زیبا است که ممثل فرهنگی می باشد و دیگر وجود ندارد؟

این جمله باید در زندگی روزمره ما همچو یک اصل به مرحله اجرا در آید. اگر کسی میخواهد که انکشاف نماید باید به وعده های خود وفادار باشد. او بایست همچو آفتاب باشد. آیا میتوان تصور کرد که آفتاب فردا یک ساعت دیر تر طلوع کند و یا هر وقت دلش خواست طلوع کند؟ یا ممکن است قانون جاذبه زمین تغییر کند؟ در آن صورت ما و شما باید از نو راه رفتن را فرا بگیریم! در طبیعت قوانینی وجود دارد که کاملاً قابل اعتماد اند. ما میتوانیم زندگی خویش را بر اساس همین قوانین بنیاد نهیم. گفتار فرد هم باید همچنان باشد. اگر سخنان کس راست باشد او میتواند روابط پر معنی برقرار سازد. این اصل در زندگی شخصی، خانوادگی و تجارت و موسسات صدق میکند. اگر کسی قابل اعتماد نباشد، روابط او با دیگران برهم خورده و او نمی تواند پیشرفتی داشته باشد.

وقت گرانبهاست (دم غنیمت است)

هر امر درک میکند که در یک موسسه اداره درست منابع چقدر با اهمیت است. همانطوریکه ما به منابع طبیعی و مالی اهمیت

دی رفت و فردا همچنان معلوم نیست
درمیان این و آن فرصت شمار امروز را (سعدی)

وقت شناسی زبینه بزرگان است
وقت هر کار نگهدار که نافع نبو
نوشدارو که پس از مرگ به شهدان دهی (ابن یمین)

میدهم ما باید وقت را منحیث یک منبع خیلی ها گرانها بشماریم. در حقیقت این یکی از عمده ترین نعمت هایست که برای بشر اعطا شده است. وقت یک داشتهء خیلی گرنهاست درست مثل پول و سرمایه. وقت نعمتیست که به همه مساویانه تقسیم شده است. وقت برای همه یکسان میباشد ولی فرق زمانی آشکار میشود که شخص به استفاده آن میرسد. اگر کسی وقت را از دست دهد تا ابد از دستش داده است. او میتواند تا وقت از دست رفته را جبران نماید ولی هرگز یک روز رفته را واپس بدست آورده نمی تواند.

آیا ما افراد و وقت شان را ارج می نهیم؟

منبع گرانهای دیگری که ما داریم مردم و یا بهتر بگوییم رابطه ما با آنها میباشد. بدین اساس زمانیکه شخص قابل اعتماد و ثابت باشد نماینگر آنست که او به وقت خود و به اشخاص دیگر و وقت شان ارج قابل میشود. این سبب میشود که ارزش خود شخص بلند رفته دیگران او را مسوول، مورد اطمینان و قابل اعتماد بپندارند. زمانی معتمد واقع شود خواهد توانست تا با افراد روابط برقرار کند. مردم علاقه دارند تا در کنار انسانهای قابل اعتماد و قابل اطمینان زندگی کنند زیرا اینگونه افراد خوف یا سوء ظنی را در ایشان بر نمی انگیزاند. آنها میتوانند بر او اعتماد کنند زیرا آنچه را میگوید انجام میدهد و آنچه را انجام می دهد به زبان می آورد. اما زمانیکه یک شخص غیر قابل اعتماد باشد یا مقاصد مخفی داشته باشد و یا هم نمی تواند به وعده هایش وفا نماید، دیگران در باره اش مظنون میشوند. این سبب ایجاد یک فضای عدم اعتماد میگردد. و زمانیکه فضایی عدم اعتماد به میان آمد مردم به شگوفایی و پیشرفت رسیده نمی توانند.

یکی از خواص منفی که در مردم دیده میشود اینست که وعده میدهند تا در ساعت معینی در جایی حاضر باشند ولی به وقت نرسیده یا هم هیچ نمی آیند. ناوقت بودن و یا حاضر وقت نبودن برای ما گران تمام میشود زیرا به حیثیت ما لطمه وارد میگردد. بعد ما به ناوقت رسیدن و غیر قابل اعتماد بودن معروف میشویم.

“ببخشید که ناوقت رسیدم... تکسی پیدا نمی شد”...

یکی از صفات منفی خیلی واضح ناوقت رسیدن و یا نرسیدن به وعده می باشد. ناوقت بودن برای یک شخص گران تمام می شود زیرا به حیثیت او لطمه وارد میگردد. اگر طور مثال ما ساعت هشت گردهمایی داریم و مردم یک ساعت دیرتر میرسند، بعضی خواهند گفت که مهم نیست اما میشود که از کنار این موضوع همینطور گذشت و شانه بالا انداخت؟ ناوقت رسیدن یکی از نشانه هایست که شخص قابل اعتماد بوده نمی تواند. نتیجه گیری این میشود که کلمه " ساعت هشت" معنی نمی دهد. این ها شاید مسایل کوچکی به حساب آید اما اینها نشانه های از عدم اعتماد و اطمینان میباشند. و اگر کسی نتواند در مسایل جزئی قابل اعتماد باشد نخواهد توانست تا با دیگران روابط برقرار نماید.

ناوقت بودن یک عادت بد است

ممکن عدهء مردم عادت ناوقت بودن را به گردن جامعه یا فرهنگ خود بیاندازند اما این یک دلیل معقولی نیست. اگر کسی نتواند که مسوولیت به وقت بودن خود را بدوش بگیرد دیگران هم با او به همان سان معامله خواهند کرد. در نتیجه، زمانیکه وقت ملاقاتی میگذاریم و در انتظار همدیگر میمانیم ما قسمتی از زندگی را از دست میدهم. ناوقت بودن یک عادت است - یک عادت بد. کسی به تداوی این عادت زمانی پرداخته میتواند که ببیند به خود یا دیگران چگونه صدمه میرساند. شخص باید ارزش قابل اعتماد بودن را درک نماید. اگر قابلیت اعتماد خویشرا از دست دهد نام نیک خویشرا از دست داده است که این روابط با دیگران را صدمه رسانده و برهم میزند.

عدهء ناوقت بودن خود را چنین توجیه میکنند که مشغولیت و کار زیاد سبب آن شده است. اما اگر کسی سر کار ناوقت برسد، و یا یک پارسل را به وقت آن نرساند، و به یک ملاقات به وقت آن حاضر نشود، زود یا دیر دیگر

شغلي براي كار، پارسلي رساني يا وعده ملاقاتي نخواهد داشت. كسي نبايد وعده ملاقات را بدهيد اگر برنامه نداريد بدان حاضر باشد. از جانب ديگر اگر شخص نشان داده بتواند كه او آدم مسوول است، وي سرمايه گرانبهاي را حاصل نموده است و مردم به او باور خواهند نمود. مردم خواهند گفت: " آن شخص مسووليت شناس است و بالاي حرفش حساب ميشود. او قابل اعتماد و اطمينان ميباشد. "

آيا شما اطمينان ديگرانرا جلب نمود ه ايد؟

اكثراً شنیده میشود كه مردم ميگویند كه " بمن باور كن" يا " چرا مرا باور نمی كنید؟ " يا " سوگند به خدا كه حرفم راست است." وقتی شخصی به ديگران به اين نحوه صحبت ميکند در حقيقت به شكل غير مستقيم گفته است كه تا هنوز نتوانسته اعتماد خويش را جلب نمايد. او كوشش ميکند باور ديگران را به وسيله اين الفاظ خريداري كند كه هيچ كسي تن به چنين معامله نمی دهد. هر شخص وقتی باور ديگران را جلب کرده ميتواند كه خودش براستي قابل اعتماد شود. او بايد بكوشد تا اين صفت را در زندگي اش بنياد گذارد.

مسووليت شناسی يك گام اساسی در انكشاف فردی به حساب ميرود. بدین وسيله است كه ما ميتوانيم خود و جامعه خويشرا بسازيم. ضرب المثل ميگويد: "خداوند دوست ميدارد كسانيرا كه به وعده هاي خويش وفا ميکنند." اگر كسي قابل اعتماد باشد، روابط و قدرش بيش از بيش در جامعه بالا رفته و كارايی اش نيز ثابت ميگردد. و بدينگونه است كه كسي به انكشاف فردی می رسد و در زندگي شگوفا ميگردد .

اصل مقاله: شبکه تجارتي "لا ريد" **La Red (The Net) Business Network** .
باز نوبسي از دكتور آرلي لوين (موسسه انكشافي آسياي جنوبي _ CADA).
ترجمه از خدمات ترجماني دقيق